

حمایت از هفت‌تپه، حمایت از کل کارگران است

در سی‌امین روز اعتصاب و اعتراض خیابانی کارگران مبارز هفت‌تپه، فرمان بازداشت تنی چند از کارگران پیشرو این مجتمع برای درهم شکستن اعتصاب صادر شد. روز سه‌شنبه ۲۴ تیر ۹۹ ابراهیم عباسی منجزی، مسلم چشمه خاور، محمد خنیفر و یوسف بهمنی در پایان رامپیمایی و تجمع روزانه، توسط نیروهای سرکوب و امنیتی بازداشت و روانه زندان دزفول

در صفحه ۳



"ما بسیاریم، طناب کم می‌آورد"

توده‌های مردم ایران خانه کرده است. آنگونه، که اعدام‌های گسترده سال‌های نخستین دهه ۶۰، هرگز فراموش نخواهد شد. آنگونه، که یورش سرکوبگران جمهوری اسلامی به مردم کردستان، خوزستان و ترکمن صحرا در بهار و تابستان و پاییز ۵۸، در یادها مانده است. آنگونه، که تک‌تک روزهای ۴۱ سال کشتار و بیدادگری، ۴۱ سال جنایت و سرکوب و ویرانگری در جای‌جای حافظه مردم ایران نقش بسته است.

سه‌شنبه ۲۴ تیرماه ۱۳۹۹ را باید به خاطر

در صفحه ۱۰

سه‌شنبه، ۲۴ تیرماه ۱۳۹۹ را باید به خاطر سپرد. آنگونه، که ۱۷ دیماه ۹۸، روزی که هوایم‌ای اوکراینی با ۱۷۶ سرنشین توسط شلیک موشک سپاه پاسداران ایران سرنگون شد، فراموش‌شدنی نیست. آنگونه، که کشتار ۱۵۰۰ نفر از جوانان و مردم ایران در آبان ۹۸ از خاطره‌ها نخواهد رفت. آن‌گونه، که به خاک و خون کشیده شدن اعتراضات ۸۸، در ذهنیت جامعه ماندگار شده است. آنگونه، که سرکوب خونین قیام دانشجویی در تیرماه ۷۸، در یادها مانده است. آنگونه، که فاجعه کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۶۷، در جسم و جان

دست‌خونین جمهوری اسلامی در کشتار کادر درمانی بیمارستان‌ها

در حالی‌که با گذشت حدود ۶ ماه در اثر سیاست‌های حکومت اسلامی ویروس کرونا در ایران همچنان جولان می‌دهد، کمبود کادر درمانی در این روزهای دشوار به یک معضل بزرگ تبدیل شده است. مقامات جمهوری اسلامی در این میان سعی دارند کمبود کادر درمانی، بویژه پرستاران و گسترش ویروس کرونا در میان آن‌ها را به عدم رعایت "پروتکل‌های بهداشتی" از سوی مردم و در نتیجه گسترش ویروس کرونا در جامعه و بدین ترتیب افزایش مراجعه‌کنندگان به بیمارستان نسبت دهند، دروغی بیش‌مانه به‌مانند دیگر دروغ‌هایی که چهل‌ویکسال حکومت اسلامی سعی کرده است تا به مردم قالب کند.

محمد میرزابیگی "رئیس کل سازمان نظام پرستاری" در گفت‌وگو با "باشگاه خبرنگاران جوان" می‌گوید: "اگر محدودیت‌ها به‌سرعت برداشته نمی‌شد و مردم هم بیشتر به پروتکل‌های بهداشتی مانند

در صفحه ۵

گزارش آکسیون ۱۳ جولای در محکومیت صدور حکم
اعدام برای معترضان آبان ماه

در صفحه ۷

همسان‌سازی حقوق بازنشستگان به شیوه جمهوری اسلامی

روز چهارشنبه ۲۵ تیرماه صدها تن از بازنشستگان تامین اجتماعی در ۱۱ شهر کشور از جمله تهران، اصفهان، تبریز، اهواز، کرمانشاه، مشهد، اراک، البرز، کرج در مقابل ساختمان‌های اداره کار و تامین اجتماعی تجمع و تظاهرات برپا کردند و خواستار تحقق مطالبات خود، به ویژه فوری‌ترین آن‌ها، افزایش مستمری‌ها متناسب با هزینه‌های زندگی، همسان‌سازی حقوق بازنشستگان با شاغلان هم‌ردیف و ارتقای سطح خدمات درمانی و بی‌نیازی از بیمه تکمیلی شدند.

این اعتراضات در شرایطی صورت گرفت که بیماری واکسیناسیون کرونا در سراسر ایران کشتار می‌کند و هر روز صدها تن از مردم ایران را به کام مرگ می‌کشاند. پوشیده نیست که این بیماری بیش از همه افراد مسن را تهدید می‌کند و اگر بازنشستگان به رغم خطر مرگبار کرونا بار دیگر به خیابان آمدند و برای تحقق مطالبات خود فریاد سردانند، نشان دهنده شرایط بسیار وخیم معیشتی و فقر غیر قابل‌تحمیلی است که با آن رو به رو هستند. این واقعیتی است که عموم بازنشستگان تامین اجتماعی خواه اکثریت آنها که

در صفحه ۲

بازداشت فعالین کارگری نیشکر هفت‌تپه را شدیداً محکوم کنیم

در صفحه ۹

اطلاعیه شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست:
علیه حکم اعدام و
رژیم جنایتکار
جمهوری اسلامی بایستیم

در صفحه ۶

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

همسان سازی حقوق بازنشستگان به شیوه جمهوری اسلامی

حداقل بگیر هستند و خواه آنهایی که مستمری شان فراتر از یک حداقل بگیر است، زیر خط فقر به سر می‌برند. این را هرکس می‌داند، امروز در شرایطی که ارزش ریال روزانه کاهش می‌یابد و با افزایش پی در پی بهای دلار، قیمت کالاها به حسب برابری دلار در حال افزایش است و دیگر حتی حقوق‌های ۵ تا ۱۰ میلیونی نیز جوابگوی متوسط هزینه‌های یک خانواده کارگر و زحمتکش نیست، بازنشستگان عموماً و بازنشستگان تأمین اجتماعی به طور خاص، در شرایط بسیار وخیمی به سر می‌برند.

با این همه و به رغم مبارزات پی در پی بازنشستگان، پاسخ رژیم به شرایط اسفبار زندگی بازنشستگان چه بوده است؟ حقوق مستمری بگیران حداقل بگیر تأمین اجتماعی حتی با افزایش ۲۶ درصدی در سال جاری که در بهترین حالت تنها حدود نصف نرخ تورم سال گذشته بود و تمام مزایا ۲ میلیون و ۸۰ هزار تومان است. این مبلغ حتی خورد و خوراک روزمره دو نفر را نیز نمی‌تواند تأمین کند، تا چه رسد به خانوار بازنشستگانی که در یک مسکن اجاره‌ای زندگی می‌کنند، هنوز فرزندان در خانه دارند که مشغول تحصیل‌اند و یا باید هزینه فرزندان بیکار خود را نیز تأمین کنند.

اکنون اما پس از آن همه مبارزه و پس از گذشت ده سال از هنگامی که قرار بود دولت قانون همسان سازی حقوق بازنشستگان با شاغلین هم ردیف و هم طراز را اجرا کند، مقامات دولتی هیاهو به راه انداخته که با واگذاری سهام ۹ کارخانه دولتی به سازمان تأمین اجتماعی در ازای بدهی خود به این سازمان، همسان سازی ۹۰ درصدی حقوق بازنشستگان و شاغلان هم‌تراز از مهر ماه اجرایی خواهد شد. اما آیا واقعاً این همان همسان‌سازی است که بازنشستگان سال‌ها برای آن مبارزه کردند و آیا تغییری در شرایط زندگی بازنشستگان پدید می‌آورد؟

دولت که به گفته مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی ۲۳۰ هزار میلیارد تومان به این سازمان بدهکار است، سهام ۹ کارخانه را به ارزش ۲۲ هزار میلیارد تومان در ازای بدهی خود به سازمان تأمین اجتماعی واگذار کرد که این سهام را در بازار بفروشد و منبع مالی تأمین همسان سازی شود. اما با این همسان سازی چه مبلغی قرار است به مستمری بازنشستگان افزوده شود؟

به گفته مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی: "میانگین رقم اضافه شده به حقوق بازنشستگان حداقل بگیر سازمان تأمین اجتماعی، ۶۰۰ هزار تومان است، اما با فرمول مورد توافق با کانون بازنشستگان کشور، نهایتاً این موضوع در سنوات مختلف اعمال شد و درباره کسانی که حداقل بگیر نبودند و حقوق بیشتری می‌گرفتند هم این افزایش حقوق شامل حالشان شده است. او افزود: حقوق بازنشستگان حداقل بگیر با ۳۰ سال سابقه بیمه پردازی به ۲ میلیون ۸۰۰ هزار تومان و برای افراد دارای ۳۵ سال سابقه بیمه پردازی به ۳ میلیون تومان می‌رسد." معاون بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی نیز گفت:

در سال ۹۹ افراد دارای ۳۵ سال سابقه حداقل‌بگیر، دریافتی شان به ۳ میلیون تومان خواهد رسید.

همچنین حقوق افراد با ۳۰ سال سابقه به ۲ میلیون ۸۰۰ هزار تومان می‌رسد.

حقوق افراد با ۲۵ سال سابقه و حداقل بگیر به ۲ میلیون و ۴۹۱ هزار تومان و حقوق افراد با ۲۰ سال سابقه به ۲ میلیون و ۴۲۱ هزار خواهد رسید.

حقوق افراد با ۱۵ سال سابقه به ۲ میلیون و ۳۴۸ هزار تومان و حقوق افراد با ۱۰ سال سابقه به ۲ میلیون و ۳۴۳ هزار تومان می‌رسد.

البته مبالغی که وی ذکر می‌کند، نه فقط افزایش ۲۶ درصدی حداقل حقوق در سال جاری، بلکه رقم بن خوار و بار و مسکن را نیز در بر می‌گیرد.

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی در این باره توضیح داد: "رقم بن خواربار و مسکن افزایش خواهد یافت و حقوق مرداد ماه بازنشستگان تأمین اجتماعی با احتساب رقم همسان سازی و افزایش بن خواربار و مسکن و اریز می‌شود. فرد حداقل بگیر با ۳۰ سال سابقه، اگر تا اسفند ماه سال گذشته یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان دریافت می‌کرده با اعمال ۲۶ درصد افزایش حقوق سال ۹۹ حدود ۲ میلیون تومان دریافت می‌کند که اکنون با احتساب رقم متناسب سازی و افزایش بن خواربار و حق مسکن بیش از ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان دریافت خواهد کرد. یعنی کل افزوده رقمی در حدود ۵۰۰ هزار تومان خواهد بود."

وقتی که به این ارقام نگاه شود، روشن است آنچه که با سروصدا تحت عنوان همسان سازی جا زده می‌شود، اندکی ترمیم مستمری است و نه همسان سازی واقعی حقوق بازنشستگان با شاغلان هم ردیف و هم طراز.

همسان سازی بدون این که قدرت خرید مستمری‌بگیر، با زمان برقراری مستمری‌اش هم طراز شود و افزایش هزینه‌های پس از بازنشستگی متناسب با افزایش نرخ تورم در نظر گرفته شود، یک همسان سازی واقعی نیست. ساختگی و تقلبی است.

برای نشان دادن این واقعیت در نظر بگیریم که قانون همسان سازی ده سال پیش به تصویب رسید و قرار شد از سال ۸۹ اجرایی شود. فرض کنید که در آن زمان یک کارگر با سابقه بیمه‌پردازی ۳۰ سال باز نشسته شده و آنچه که تحت عنوان حقوق بازنشستگی دریافت می‌کرد در حداقل ممکن، معادل حداقل دستمزد یک کارگر در آن ایام باشد. در سال ۸۹ حداقل

دستمزد روزانه کارگر ۱۰۱۰۰۰ ریال تعیین شد که بدون در نظر گرفتن مزایا، این کارگر در هر ماه ۳۰۳۰۰۰ تومان دریافت می‌کرد. در سال ۸۹ بهای دلار در بازار آزاد ۱۰۰۰ تومان بود. یعنی حقوق ماهانه این بازنشسته معادل ۳۰۳ دلار در هر ماه و هر روز کمی بیش از ۱۰ دلار بود. اکنون اما همان مستمری بگیر اگر در هر ماه ۳ میلیون تومان نیز دریافت کند، با نرخ هر دلار ۲۵۰۰۰ تومان در بازار آزاد، حقوق اش در هر ماه به ۱۲۰ دلار و هر روز به ۴ دلار کاهش یافته است. یعنی نه فقط در این ده سال چیزی به عنوان برابر سازی بر حقوق فرد بازنشسته افزوده نشد، نه فقط معادل نرخ تورم، حقوق این بازنشسته افزوده نشد، بلکه حتی حقوقی که ده سال پیش دریافت می‌کرد به حدود یک سوم کاهش یافته است. این است شیوه همسان سازی تقلبی رژیم شارلاتان و غارتگری که می‌خواهد اندکی ترمیم حقوق بازنشستگان را که در شرایط تورم افسارگسیخته کنونی عددی هم به حساب نمی‌آید، به نام همسان سازی که یکی خواست‌های مهم بازنشستگان است جا بزند.

روشن است که بازنشستگان همانگونه که در اعتراضات ۲۵ تیر ماه نشان دادند، این ترفند رژیم را بر نمی‌تابند و برای یک همسان سازی واقعی که نه فقط شامل قدرت خرید زمان بازنشستگی باشد، بلکه منطبق با افزایش هزینه‌ها در طول سال‌های بازنشستگی باشد به مبارزه خود ادامه می‌دهند.

بازنشستگان در مبارزات پیگیر خود در این چند سال اخیر نشان داده‌اند که به رغم تمام فشارها و سرکوب‌های رژیم لحظه‌ای از ادامه مبارزه دست بر نداشته‌اند. بازنشستگان همانگونه که در تجمعات و تظاهرات گسترده خود در ۲۵ تیر ماه اعلام کردند، خواهان اجرای فوری یک همسان سازی واقعی، افزایش مستمری‌ها متناسب با هزینه‌های زندگی و ارتقای سطح خدمات درمانی و بی‌نیازی از بیمه تکمیلی هستند. تحقق این مطالبات، مبارزه جدی‌تری را می‌طلبد. به ویژه آنچه که کمبود آن در مبارزات کنونی بازنشستگان محسوس است، تشکلهای مستقل و سراسری بازنشسته را بسیج کند و برخلاف کانون‌های بازنشستگی کنونی که وابسته به دولت‌اند و ابزاری برای منحرف ساختن مبارزات، به شکلی رادیکال این مبارزات را رهبری و از مطالبات بازنشستگان دفاع کنند.

تصحیح و پوزش:

شماره ۸۷۸ نشریه کارصفحه ۱۱ ستون سوم پاراگراف آخر، در جمله "سازمان فدائیان(اقلیت) برای پایان دادن به تمام فجایع و معضلاتی که رژیم جمهوری اسلامی روزمره در ایران به بار می‌آورد..." جمهوری اسلامی جا افتاده است که ضمن پوزش از خوانندگان نشریه، بدین وسیله اصلاح می‌شود.



حمایت از هفتتپه، حمایت از کل کارگران است



پس از آنکه کارگران راهی خیابان‌های شوش شده و اعتراضات خیابانی را سازمان داده بودند، تنها یک ماه حقوق عقب‌افتاده‌ی بخشی از کارگران را واریز کرد. در عین حال عمال و حامیان کارفرما در شرکت و در رسانه‌های وابسته به دولت تبلیغات دروغین وسیعی را مبنی بر این که حقوق تمام کارگران هفتتپه واریز شده به راه انداختند. هدف کارفرما و حامیان وی از این اقدام این بود که در صف اعتصابیون شکاف ایجاد کنند. آن‌ها تصور می‌کردند کارگرانی که یک ماه حقوق عقب‌افتاده را دریافت می‌کنند برای ادامه اعتصاب متزلزل خواهند شد و به سرکار باز خواهند گشت و بدین طریق در صفوف اعتصابیون شکاف ایجاد می‌کنند و آن را به شکست می‌کشانند. اما این ترفند کارفرما و حامیان وی نیز خیلی سریع با واکنش اعتراضی کارگران روبرو شد. فعالان کارگری هفتتپه با افشای پیگیرانه این دروغ، این نقشه مودیانه را نیز افشا و خنثی ساختند.

اما این هنوز تمام ترفندها و نقشه‌های کارفرما و حامیان او برای به شکست کشاندن اعتصاب نبود. روز سه‌شنبه ۲۴ تیر سی‌امین روز اعتصاب بود که چهار تن از فعالان اعتصاب و سخنرانان جمعیت هفتتپه، با فحش‌های رکیک و خشونت نیروهای امنیتی شوش بازداشت شدند. پرونده این چهار کارگر به شعبه ۵ دادیاری دادستان عمومی و انقلاب شهرستان شوش ارجاع شد. دادگستری شوش نه‌فقط از پذیرش فیش حقوقی و سند و وثیقه برای آزادی فوری بازداشت‌شدگان امتناع نمود و آن‌ها را به زندان افکند، بلکه درخواست کارگران برای تماس و دیدار با وکیل خود (فرزانه زیلابی) را نیز نپذیرفت و این کارگران را زندانی کرد. این در حالی بود که دو تن از این کارگران؛ یوسف بهمنی و محمد خنیفر به بیماری کرونا مبتلا شده بودند. هدف دستگاه قضایی از این اقدامات زورگویانه، مرعوب ساختن کارگران بازداشت‌شده و سایر کارگران اعتصابی و معترض بود. اما کارگران هفتتپه نه‌فقط مرعوب این اقدامات سرکوبگرانه نشدند، بلکه روز ۲۵ تیر نیز متحد و یکپارچه به خیابان آمدند و با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، از رفقای زندانی خود قویاً حمایت نموده و خواهان آزادی آن‌ها شدند. مسئولین قضایی وقتی که با این اعتراض یکپارچه و پرشور کارگران هفتتپه و خواست آزادی بازداشت‌شدگان مواجه شدند اعلام کردند "شرط آزادی کارگران بازداشت‌شده هفتتپه این است که کارگران به اعتصاب و تجمع خود در مقابل فرمانداری خاتمه دهند. (اطلاعیه سندیکای کارگران نیشکر هفتتپه - ۲۵ تیر ۹۹) کارگران مبارز هفتتپه و سندیکای مستقل آن‌ها اما این گروکشی و گروگان‌گیری را به‌شدت محکوم کردند و مصمتم‌تر و منسجج‌تر از روزهای قبل وارد خیابان و خواستار آزادی فوری و بی‌قیدوشرط رفقای خود شدند. ناگفته نماند که در تمام این دوره به‌ویژه پس از بازداشت ۴ فعال کارگری هفتتپه، شورای

شدند. کارگزاران استانی دولت که همواره در کنار و همدست کارفرمای دزد و قاچاقچی هفتتپه و ۳۰ روز تماشاجی صحنه اعتراضات و فریاد گرسنگی کارگران بودند چنین تصور می‌کردند که با این یورش و گروگان‌گیری فعالان کارگری هفتتپه، می‌توانند صدای اعتراض کارگر هفتتپه را خاموش کنند. گرسنگی و حق‌خواهی کارگران هفتتپه اما تبی نبود که با این بازداشت‌ها و ارباب‌ها فرونشیند. برعکس با این اقدام کارگزاران ارتجاع و سرمایه، خشم و خروش کارگران فزونی گرفت و فریاد رسای "کارگر زندانی آزاد باید گردد" تمام خیابان‌های شوش را درنوردید. هفتتپه با استمرار و پیگیری مبارزه و حمایت جدی از رفقای بازداشتی خود، آن‌ها را آزاد ساخت و رها یافتگان بدون فوت وقت، به تجمع اعتراضی و جمع رفقای خود پیوستند. دستگاه امنیتی و سرکوب رژیم، یک‌جبار دیگر نیز بخت خود را در رابطه با کارگران هفتتپه آزمود و آزمونی شکست‌خورده را تکرار کرد. اعتصاب و اعتراض پایان نیافت. رامیپمایی خیابانی و سخنان شورانگیز فعالان کارگری هفتتپه نیز ادامه یافت.

اعتصاب کارگران هفتتپه از لحظه نخست‌ی که روز ۲۶ خرداد ۹۹ کلید خورد تا امروز یکشنبه ۲۹ تیر ۹۹ که سی و پنجمین روز خود را پشت سر گذاشت، با مشکلات و موانع متعددی چنگ در چنگ شد و گذرگاه‌های پرخطری را که بر هریک از آن‌ها پرتگاهی درک‌نم‌نشسته بود، با افتخار و سربلندی پشت سر گذاشت.

از همان آغاز، عوامل مدیریت و کارفرما تلاش نمودند مانع اتحاد و همبستگی کارگران شوند و کوشش‌های مذبوحانه‌ی را برای ایجاد نفاق و دودستگی در میان کارگران سازمان دادند. این کوشش‌ها که بعضاً بر زمینه‌های عینی وجود نارضایتی شدید در میان کارگران امکان بروز یافت و در شکل و محل مبارزه و نیز تقلیل خواست‌ها صرفاً به خواست پرداخت دستمزدهای معوقه انعکاس یافت و توانست به‌طور موقت توجه بخش کوچکی از کارگران را جلب کند، اما با هوشیاری اکثریت کارگران و سخنرانی‌ها و روشنگری‌های مداوم فعالان کارگری هفتتپه، موضع‌گیری‌های به‌موقع سندیکای کارگران نیشکر هفتتپه و به‌ویژه با اتکا به هم‌اندیشی و استفاده از "حرد جمعی" خنثی شد. اتحاد کارگران و حفظ آن، نقش مهمی در این اعتصاب و ادامه آن تا به امروز داشته است. کارگران هفتتپه با حفظ هوشیاری در قبال نسبیسه چینان و نفاق‌افکنان و با طرح شعار "کارگر هفتتپه اتحاد اتحاد" این نسبیسه را خنثی و خطر نفاق را از سرخود دور ساختند.

یکی دیگر از ترفندهای کارفرما و حامیان وی برای شکست اعتصاب، نحوه پرداخت یک ماه حقوق کارگران بود. اسدبیکگی کارفرمای اصلی هفتتپه که دستمزد ۳ ماه کارگران را گروکشی کرده بود، هجده روز پس از اعتصاب و دو روز

اسلامی خود را جلو انداخته و بیهوده تلاش کرد خود را نماینده کارگران هفتتپه جا بزند که کارگران این شرکت برای هزارمین بار اعلام نمودند این تشکل دولتی را به رسمیت نمی‌شناسند و هرگز به رسمیت نشناخته‌اند. در اثر مبارزات و اعتراضات خیابانی و پرشور کارگران هفتتپه، دستگاه قضایی مجبور شد اگرچه به قید وثیقه، هر چهار کارگر بازداشت‌شده را روز ۲۵ تیر آزاد کند. کارگران با حفظ اتحاد و یکپارچگی و پشتیبانی وسیع از بازداشت‌شدگان، نیت شوم دستگاه قضایی را که قصد داشت از دستگیری این چهار کارگر و اعمال فشار بر آن‌ها به‌عنوان اهرم فشاری برای درهم شکستن و پایان اعتصاب بهره‌برداری کند نیز خنثی نموده و آن را ناکام گذاشتند.

اما این هنوز تمام ماجرا و پیچیدگی اعتصاب هفتتپه نیست. خطر بزرگی که اعتصاب را تهدید می‌کند، خطری است که در پس بی‌اعتنایی مطلق و کم‌سابقه تمام طرف‌های مقابل کارگران هفتتپه در قبال این اعتصاب و خواست‌های کارگران نهفته است. دولت اسلامی حافظ منافع طبقه سرمایه‌دار حاکم و دستگاه قضایی آن نیز پاسدار مناسباتی است که این منافع را تأمین کند. قوه قضاییه درحالی‌که به تمام دارایی‌ها و نقدینگی و حساب‌های بانکی اسد بیکگی کارفرمای اصلی هفتتپه دسترسی داشت (و دارد) به‌رغم دزدی و اختلاس میلیارد دلاری این قاچاقچی ارز، به رغم اعتصاب ۳۵ روزه و نیز به‌رغم آن‌که خیابان‌های شهر شوش طی بیست روز گذشته از فریاد گرسنگی کارگران هفتتپه آکنده

حمایت از هفت‌تپه، حمایت از کل کارگران است

تحکیم کرد.

در بیست و پنجمین روز اعتصاب، سپهر، فرزند یکی از کارگران و قهرمان کوچک اندام هفت‌تپه به صف اعتراض کنندگان پیوست و به شعار "فرزند کارگرانیم کنارشان می‌مانیم" عینیت بخشید. حضور فرزندان و کل خانواده‌ها در اعتراضات کارگری می‌تواند به پیشرفت مبارزه در هفت‌تپه و اثرگذاری آن کمک کند. از این‌رو تا حد ممکن باید خانواده‌ها را به صحنه مبارزه کشاند. ورود خانواده‌ها به صحنه مبارزات کارگری در همه جا، از جمله در فولاد، زغال‌سنگ کرمان، معادن سنگ آهن و خود هفت‌تپه، نتایج مثبتی در پی داشته و جبهه کارگران را تقویت نموده است. در راهپیمایی‌های خیابانی کارگران هفت‌تپه به روشنی می‌توان حمایت معنوی و همدردی را در چهره زحمت‌کشان شوش مشاهده کرد که گاه با عمل مشخص نیز همراه شده است. باید در جهت جلب این حمایت‌ها و گسترش آن بیش از این تلاش کرد.

سندیکای مبارز و مستقل کارگران نیشکر هفت‌تپه در جریان اعتصاب، در چند نوبت با صدور اطلاعیه و بیانیه، از درد مشترک، از اتحاد و همبستگی و از ضرورت تقویت رزم طبقاتی سخن گفت، بر اتحاد و همبستگی کارگران تأکید نمود و عموم کارگران را به حمایت از کارگران هفت تپه فراخواند. اگرچه علاوه بر کارگران فولاد، اغلب تشکلهای موجود کارگری، بازنشستگان و جمع‌هایی از دانشجویان و معلمان با صدور اطلاعیه‌هایی از کارگران هفت‌تپه حمایت نموده‌اند که این حمایت‌ها بی‌شک ضروری و مفید هستند، اما صرف صدور اطلاعیه و بیانیه کافی نیست. این نحوه حمایت، باید با اقدام‌های عملی مشخصی همراه شود که چند و چون و حد و حدود آن، به امکانات و ابتکارات حمایت‌کننده برمی‌گردد.

کارگران پیشرو هفت‌تپه نیز می‌توانند نسبت به جلب حمایت کارگران و دیگر اقشار زحمتکش جامعه تلاش کنند و بخشی از انرژی و مبارزه روزانه خود را به این امر اختصاص دهند. می‌توان در حین اعتصاب، با کارگران سایر کارخانه‌ها و شرکت‌ها تماس گرفت یا حتی با اعزام نماینده، حمایت آن‌ها را جلب نمود. این ابتکار در هفت‌تپه بی‌سابقه نیست و پیش از این در اعتصابات سال ۹۷ عملی شده است. در شرایط حساس کنونی نباید کارگران مبارز هفت‌تپه را تنها گذاشت. فراموش نکنیم که نارضایتی کارگران هفت‌تپه، اعتصاب و اعتراض کارگران هفت‌تپه، مبارزه آن‌ها علیه ظلم و بیداد و استثمار و ایستادگی در برابر زورگویی کارفرما و حامیان دولتی آن، جدا از مبارزه سایر اقشار زحمت‌کش نیست و با مبارزه و مقابله با ظلم و ستمی که در عمق جامعه جاری است پیوند می‌خورد. بنابراین معلمان، دانشجویان، پرستاران، بازنشستگان، نویسندگان، زنان و جوانان و سایر زحمت‌کشان نباید نسبت به آنچه که در هفت‌تپه می‌گذرد بی‌تفاوت باشند. حمایت از کارگران هفت‌تپه، حمایت از کل کارگران و ایستادن در برابر ظلم و ستم طبقه‌ای است که عموم مردم زحمت‌کش را به انقیاد کشیده است.



آمدگی برای تدارک و سازمان‌دهی اعتصاب بعدی داشته باشند. این بر عهده کارگران آگاه و پیشرو هفت‌تپه است که ارزیابی نسبتاً دقیق و روشنی از اوضاع عینی هم در سمت کارگران و هم در سمت کارفرما داشته باشند. در یک اعتصاب ممکن است تمام خواست‌های اعتصاب برآورده شود که این بهترین حالت است. اما اگر این نیست و ارزیابی ما به فرض این است که در این لحظه معین نمی‌توان همه خواست‌های اعتصاب را محقق کرد، آنگاه باید با کسب پاره‌ای امتیازات و بخشی از خواست‌ها، پیش از آن‌که خستگی و فرسودگی توده کارگران را از پا درآورد به‌طور موقت به اعتصاب پایان داد و خود را برای سازمان‌دهی اعتصاب بعدی آماده ساخت. بدترین حالت این است که اعتصاب بدون تحقق هیچ‌یک از خواست‌ها و کسب هیچ‌گونه امتیازی پایان یابد. البته با توجه به شرایط فعلی که اقتضای و آبروریزی کارفرمای اختلاس‌گر دزد و قاچاقچی ارز در جریان دادگاه فاش شده و به شکل وسیعی در رسانه‌ها انعکاس یافته و حقانیت کارگران هفت تپه بیش از پیش به اثبات رسیده است، چنین به نظر می‌رسد که بهترین و مناسب‌ترین لحظه برای وارد آوردن فشار حد اکثری و ضربه نهایی برای خلع‌ید از سدبستگی و رستمی و لغو خصوصی‌سازی هفت‌تپه فرا رسیده است. از این‌رو اتحاد کارگران و استمرار مبارزه در لحظه کنونی از هر زمان دیگری مهمتر است.

یکی از نکات بسیار مثبت اعتصاب اخیر هفت‌تپه این است که کارگران هوشیاری و اتحاد خود را حفظ کرده‌اند و نمونه درخشانی از همبستگی، پشتیبانی از نمایندگان خود و همچنین توانایی خویش در گذار از پیچ و خم‌های مبارزه را به نمایش گذاشته‌اند. اتحاد، استمرار مبارزه و ایستادگی در برابر زور و فشار و انواع ترفند های کارفرما و حامیان دولتی آن و خنثی ساختن نیرنگ‌ها و تلاش‌های فریبکارانه دشمن اگرچه در تاریخچه مبارزات کارگران هفت‌تپه بی‌سابقه نیست، اما در هر حال قابل تحسین است. این آن چیزی است که امکان پیروزی اعتصاب را تقویت می‌کند و بنابراین باید آن را حفظ و تقویت و

بوده است، اما هیچ‌گونه اقدامی لااقل در مورد پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران از محل دارایی‌ها و نقدینگی اسد بیگی انجام نداد و افزون بر آن به نحو کم‌سابقه‌ای نسبت به اعتصاب و اعتراض ۵ هزار کارگر هفت‌تپه بی‌اعتنا و بی‌توجه بوده است. هیچ مقام دولتی نه در سطح شهرستان شوش، نه در سطح استان خوزستان و نه در سطوح بالاتر، حاضر نشد به میان کارگران برود و برای ظاهرسازی یا حتی برای آرامسازی کارگران هم که شده، به خواست‌ها و دلایل اعتصاب و اعتراض طولانی‌مدت کارگران حتی گوش فرا دهد! دولت و کارفرمای هفت‌تپه در واقع درصدد این بوده‌اند با بی‌اعتنایی نسبت به اعتصاب و اعتراض‌های خیابانی، کارگران هفت‌تپه را خسته و فرسوده و مستأصل سازند تا این‌که توده کارگران در عمل وقتی که ببینند به ۳۰ روز ۳۵ روز ۴۰ روز اعتصاب و تظاهرات خیابانی آن‌ها ترتیب اثری داده نمی‌شود، نتیجه‌گیری کنند که اعتصاب و اعتراض بی‌فایده است و دست از اعتصاب و اعتراض بکشند.

این واقعیتی است که اعتصاب هر قدر هم طولانی‌مدت، اما نمی‌تواند تا بی‌نهایت ادامه داشته باشد. اعتصاب اگر منجر به نتایج مثبتی به سود کارگران نشود، اگر کارگران به همی خواست‌ها یا دست‌کم به برخی از خواست‌های خود نرسند، ممکن است دچار خستگی و فرسودگی شوند و بخش‌هایی از آن‌ها کتکش ادامه اعتصاب را نداشتند. بنابراین اگرچه کارفرما و حامیان دولتی آن آگاهانه تلاش می‌کنند اعتصاب را بی‌فایده جلوه دهند تا کارگران را فرسوده و مستأصل سازند، اما یک سر دیگر این ماجرا خود کارگران هستند که بایستی هوشیاری و موقعیت‌شناسی خود را حفظ کنند و در همه حال ارزیابی دقیق و روشنی از توانایی خود برای ادامه اعتصاب، حدود و دامنه عقب‌نشینی احتمالی کارفرما و حامیان دولتی آن و پذیرش خواست‌ها و غیره داشته باشند. گفتن ندارد که در هر اعتصابی بسیار مهم است که سازمان‌گران اعتصاب دید روشنی از حدود ادامه اعتصاب یا لحظه و شرایط مناسب برای توقف موقت اعتصاب برای تجدیدقوا و ادامه مبارزه و کسب

دست خونین جمهوری اسلامی در کشتار کادر درمانی بیمارستان‌ها

زدن ماسک، فاصله‌گذاری اجتماعی، نرفتن به مسافرت توجه داشتند، حتما می‌توانستیم به سرعت با این ویروس کشنده مقابله کنیم". وی با تشریح برخی از مشکلات کادر درمانی بیمارستان‌ها و شیوع گسترده کرونا در میان آن‌ها می‌گوید: "با این تعاریف مردم همچنان به رعایت نکردن پروتکل‌های بهداشتی ادامه می‌دهند که کادر درمان بیشتر در معرض کرونا قرار بگیرند".

مقامات جمهوری اسلامی به این وسیله می‌خواهند مانند همیشه از بار مسئولیت خود شانه خالی کرده و نتایج سیاست‌های فاجعه‌بار حکومت که کار را به این‌جا کشاند، سیاست‌هایی که مسئولیت‌اش مستقیماً با این نظام جبار است کتمان کنند. سیاست‌هایی چون عدم قرنطینه، عدم حمایت مالی از کارگران و زحمتکشان و بیکاران در برابر کرونا، دروغ‌گویی و پنهان کاری درباره‌ی زمان ورود ویروس به ایران و ابعاد شیوع آن.

یک نمونه بسیار مهم دیگر سیاست‌های جمهوری اسلامی در امر بهداشت و درمان است که نتایج فاجعه‌بار آن امروز و با شیوع ویروس کرونا بیش از گذشته در برابر چشمان همگان قرار گرفته است. نتایج این سیاست فاجعه‌بار از چند جهت قابل بررسی است اما ابتدا به میزان شیوع کرونا در میان کادر درمانی و بویژه پرستاران بپردازیم که یکی از نتایج مستقیم سیاست‌های جمهوری اسلامی در امر بهداشت و درمان است.

اگرچه تعداد زیادی از پزشکان و دیگر کادرهای درمانی که به یاری بیماران کرونایی برخاسته بودند جان خود را در راه کمک به مردم از دست دادند، اما وضعیت پرستاران به عنوان آن بخش از کادر درمانی که بیشترین ارتباط نزدیک با بیمار را دارند به مراتب فاجعه‌بارتر از دیگر کادرهای درمانی بوده و هست.

رضا جلیلی خشنود رئیس بیمارستان "شهدای تجریش تهران" و از اعضای ستاد مقابله با کرونا در تهران روز ۵ شنبه ۲۶ تیر در یک گفتگوی رادیویی گفت: "در بیمارستان شهدای تجریش ۱۷۲ نفر از نیروهای خودمان (منظور وی کادر درمانی است) درگیر شدند و خود بنده و معاونت‌ها هم درگیر شدیم. من خودم بستری هستم و ریه‌ام ۴۰ درصد درگیر شده است. معاونت درمان و بهداشت بیمارستان هم بستری هستند".

محمد میرزا بیگی "رئیس کل سازمان نظام پرستاری" در همان گفت‌وگو با "باشگاه خبرنگاران جوان" می‌گوید: "آماري که به دست ما رسیده این است که حدود ۹ هزار نفر از پرستاران ما مبتلا به کرونا شدند. حدوداً ۷۰ هزار پرستار برای ۱۴۰ هزار تخت دولتی داریم که به ازای هر تخت بیمارستانی حدود ۸/۰ نیروی پرستار در حال خدمت به بیماران هستند^(۱). بالغ بر ۶۰ تا ۷۰ درصد این پرستاران مدت‌هاست که به دیدار خانواده‌های خود نرفته‌اند، تا بتوانند موجب قطع زنجیره انتقال

ویروس کشنده کرونا شوند... مقیم بودن چند ماهه پرستاران در بیمارستان به معنی روبه‌رو شدن با خستگی زیاد جسمی، روحی و روانی و همچنین گذراندن بیشترین زمان در کنار بیماران کرونایی است. همین امر موجب شده است تا ۹ هزار نفر از این پرستاران به کووید ۱۹ مبتلا شوند و ما با کمبود نیروی روبه‌رو شویم. در حال حاضر از این ۹ هزار نفر، بالغ بر ۴ هزار نفر هستند که با این بیماری دست و پنجه نرم می‌کنند و عملاً از چرخه خدمت خارج شده‌اند". وی ادامه می‌دهد: "در حال حاضر که مجوز استخدام ۳ هزار پرستار از طرف سازمان برنامه و بودجه داده شده است به سرعت مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بتوان جای آن ۴ هزار نفری که از گردانه خدمت خارج شده‌اند را پر کرد".

اما محمد شریفی مقدم "دبیرکل خانه پرستار" معتقد است که تعداد پرستاران مبتلا به کرونا بیشتر از تعداد ذکر شده از سوی محمد میرزاییگی است. وی در ادامه می‌گوید: "در ابتدای شیوع کرونا شاهد کمبود شدید امکانات مراقبتی برای پرستاران بودیم. هر چند این کمبودها کمتر شده، اما همچنان کمبودهایی وجود دارد و این عاملی است که خطر ابتلا به کرونا را بالا می‌برد. جز این، دو عامل مهم دیگر در ابتلای پرستاران به کرونا دخیل است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است: عامل اول کمبود کادر پرستاری است... به صورت میانگین به ازای هر هزار نفر باید پنج تا شش پرستار وجود داشته باشد. این نسبت در کشورهای توسعه یافته ۱۰ به هزار نفر است و کف آن سه به هزار نفر، اما در ایران این نسبت ۱/۵ به هزار نفر است که نتیجه سال‌ها بی توجهی به تامین نیروی پرستاری است. وقتی با این میزان کمبود پرستار مواجه باشیم این باعث تحمیل اضافه کار به نیروی پرستاری، خستگی بیشتر و مواجهه بیشتر پرستاران با خطر است... آزمایشی در آمریکا نشان داد که نسبت مستقیمی بین کار زیاد و خطای پرستاری وجود دارد. در برهه‌های دو ساعت به ساعت کار پرستاران اضافه شد و نتیجه این شد که ۱۴ درصد خطای آن‌ها افزایش یافت. وقتی خطای پرستاری افزایش می‌یابد، مراقبت از خود هم به مخاطره می‌افتد" (خبرگزاری ایلنا ۲۵ تیر). اما واقعیت بسیار دردناکتر از این آمارهاست وقتی که بدانیم پرستارانی که به صورت خفیف به بیماری کرونا مبتلا شده‌اند، همچنان مجبور به کار و مراقبت از بیماران کرونایی بستری در بیمارستان‌ها هستند!!! (خبرگزاری ایلنا ۲۹ تیر) این مساله نشان می‌دهد که تا چه حد بیمارستان‌ها با کمبود کادر درمانی بویژه پرستار روبه‌رو هستند، موضوعی که در کم‌تر کشوری دیده شده است!!!

کمبود پرستار در بیمارستان‌های ایران (و به‌طور خاص بیمارستان‌های دولتی) البته موضوع تازه‌ای نیست. برای رسیدن به میانگین جهانی بیمارستان‌های ایران با کمبود حدود ۳۰۰ هزار پرستار روبه‌رو هستند. بنابراین مساله ۳ یا ۴

هزار پرستار نیست که محمد میرزاییگی از آن سخن می‌گوید و خواستار استخدام آن‌ها می‌شود، موضوع بسیار عمیق‌تر و فراتر از این است.

اما چرا پرستار استخدام نمی‌شود؟! علت اصلی در عدم تخصیص بودجه کافی است. دولت جمهوری اسلامی که بر دریایی از نفت و گاز و معدن چنگ انداخته است، در طول این سال‌ها هزینه دستگاه‌های انگلی را که از بودجه دولتی ارتزاق می‌کند به شدت افزایش داده است. یک نمونه بارز آن سپاه پاسداران است که بودجه آن حتی از ارتش نیز به مراتب بیشتر است. نهادهای مفت‌خور مذهبی یک نمونه دیگر هستند که بخشی از بودجه را می‌بلعند. هزینه ساخت تسلیحات جنگی یک نمونه دیگر است. در این میان آن چه که در طول این سال‌ها با کاهش واقعی بودجه روبه‌رو بوده همان بخش‌هایی هستند که برای جامعه مفید و حتماً ضروری هستند. مانند بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، و مانند آن‌ها.

وضعیت فاجعه‌بار بیمارستان‌های دولتی که یک نمونه آن کمبود فاحش پرستار است نتیجه همین سیاست دولت جمهوری اسلامی است، دولتی که پول دارد تا لشکر فاطمیه و زینبیه برای جنگ در سوریه راه بیاندازد، پول دارد تا بیمارستان و مدرسه و پارک و غیره در عراق و لبنان بسازد و در اختیار حزب‌الله و کتائب حزب‌الله قرار دهد، پول دارد تا برای حوثی‌ها موشک و غیره بفرستد، پول دارد تا به دولت بشار اسد کمک کند و جنگ را از نظر مالی پشتیبانی کند، اما برای بهداشت و درمان پولی ندارد.

جدا از عدم استخدام پرستار به اندازه مورد نیاز و استانداردهای امروزی، وضعیت شغلی و معیشتی پرستاران شاغل نیز یک موضوع بسیار مهم دیگر است که باعث رانده شدن بسیاری از پرستاران از این شغل گردیده است.

دولت جمهوری اسلامی برای پایین نگاه داشتن هزینه‌ها، نه فقط از استخدام پرستار به اندازه نیاز سر باز می‌زند، بلکه از دادن حقوق کافی به پرستاران نیز خودداری می‌ورزد. بیمارستان‌های دولتی و خصوصی یکی از روش‌هایشان برای پرداخت ناچیز حقوق و دستمزد به پرستاران را در استخدام ۸۹ روزه‌ی آن‌ها یافته‌اند، راهی که قوانین جمهوری اسلامی برای آن‌ها باز کرده است. در هفتم دی‌ماه سال گذشته خبرگزاری ایلنا به نقل از هادی رضازاده "دبیر اجرایی خانه کارگر آمل" از پرستارانی خبر داد که در ازای صد ساعت کار در ماه فقط ۷۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرند که از این ۷۰۰ هزار تومان ۲۲۰ هزار تومان بابت بیمه کسر می‌شود و در نهایت ماهی ۴۸۰ هزار تومان برای پرستاران باقی می‌ماند که در برخی مواقع حتی کمتر از کرایه ماشین آن‌ها از خانه به محل کار و برعکس است.

همین مساله باعث گردیده تا خواست استخدام رسمی به یکی از خواست‌های محوری پرستاران تبدیل شده و هر بار در خیابان‌ها آن را فریاد بزنند. در همین دوران کرونایی بارها پرستاران برای خواست‌های خود از جمله پرداخت حقوق‌ها و دستمزدهای عقب‌افتاده و استخدام رسمی دست به اعتراض زدند و باز در همین دوران کرونایی برخی از پرستاران حاضر به تمدید قرارداد ۸۹



علیه حکم اعدام و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بایستیم

ماشین کشتار جمهوری اسلامی از بدو تولد تاکنون دمی از کشتار معترضان باز نایستاده است. در ادامه کشتارها اخیرا دستگاه قضایی بعنوان یکی از اصلی ترین عوامل این کشتار معترضین و دستگیرشدگان سالهای ۹۶ و ۹۸ را نشانه رفته است. بیش از ۱۲ تن از آنها تحت عنوان «مفسد فی الارض» به اعدام محکوم شده اند. و در روزدوشنبه ۲۴ تیر دو زندانی سیاسی به اسامی دیاکو رسول زاده و صابر شیخ عبدالله را در زندان ارومیه اعدام کردند. امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی سه تن از دستگیرشدگان آبان ماه هستند که حکم اعدامشان تأیید و به اجرا نزدیک شده است.

جمهوری اسلامی در چنگ بحران های متعدد و استیصال روزافزون درمقابل کارگران و زحمتکشان که در فقر و بی حقوقی دست و پا میزنند بوخت افتاده و مثل همیشه جز کشتار معترضین راهی در مقابل خود نمی بیند. سالهاست که معجزه ترساندن و سرکوب آخرین ذخیره هایش را نیز شلیک کرده است. دیگر نمی توان با گلوله و زندان و اعدام پاسخ گرسنگی و فقری حقوقی و تبعیض را داد و آنرا به سکوت وادار کرد. بیکاران، کارگران و زنان و باز نشستهگان بارها به خیابان آمده اند و تا پای جان ایستادگی کرده اند. علاوه بر کشتارهای تاکنونی هنوز خون تازه ۱۵۰۰ نفر در آبانماه بر سنگفرشها باقی است و هزاران دستگیری و صدها ناپدید شده نه تنها کسی را خانه نشین نکرده است، بلکه همه به روشنی می دانند که کابوس رژیم عروج مجدد معترضین است. دستگیری و زندانی کردن کارگران و احکام شلاق و اعدام گواه این وحشت از مرگ است. در تمام این مدت کارگران لحظه ای از اعتراضات خویش عقب نشینی نکرده اند و همچنان غول اعتراض مهیای خیابان است. اعتراض قدرتمند کارگران هفت تپه در سی و یکمین روز مبارزه پرشورشان، سرکوبگران را مجبور کرد، در کمتر از ۲۴ ساعت چهار فعال کارگری دستگیر شده را آزاد کنند. اعتراض گسترده و جهانی به حکم اعدام امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی تحت نام "اعدام نکنید" فشاری را بر جمهوری اسلامی وارد کرده، که صحبت از بررسی مجدد پرونده آنها مطرح است. اما طرفدایان این رژیم شناخته شده است. فشار و اعتراض گسترده تر و محکمتر هنوز لازم است تا مجازات اعدام به طور اساسی و حکم اعدام این سه نفر لغو شود.

شورای همکاری مجازات اعدام را عملی جنایتکارانه میدانند و همه آزادیخواهان را به مقابله علیه این اقدام غیر انسانی و برای رهایی همه زندانیان سیاسی و کارگران زندانی فرامیخواند. از همه کارگران و زحمتکشان میخواهد بهر طریق ممکن در مقابل این احکام انزجار خود را اعلام و برای الغاء آن تلاش کنند.

آزادیخواهان و نیروهای انقلابی و رفقای شورای همکاری: در هرکجا هستید در سازمانی اعتراض علیه این جنایات فعالانه شرکت و کوشش کنید

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
۱۵ جولای ۲۰۲۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمیتست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

از آن دوری جسته و آن را نفی کردند. اما برای جمهوری اسلامی که امروز یکی از خشنترین اشکال مناسبات سرمایه داری را در ایران حاکم کرده است، طبیعیست که در برابر شیوع ویروس کرونا نیز جنایتکارانهترین سیاست را پی بگیرد که قتل عام کادر درمانی یک نتیجه آن است.

پی نوشت:

۱ - اگر آمار محمد میرزابیگی را در نظر بگیریم یعنی وجود ۷۰ هزار پرستار برای ۱۴۰ هزار تخت بیمارستانی و با توجه به این که هر ۲۴ ساعت شبانه روز ۳ شیفت است، می توان بهسادگی حساب کرد که برای هر تخت بیمارستانی برخلاف گفته میرزا بیگی نه ۸/۰ پرستار بلکه برای هر ۶ تخت بیمارستانی تنها یک پرستار وجود دارد. حال اگر روزهای مرخصی پرستاران و مرخصی آنها را هم در نظر بگیریم، می توان نتیجه گرفت که برای هر ۶ تخت در بیمارستان های دولتی حتا یک پرستار نیز بطور واقعی وجود ندارد.

ابتدایی ترین امکانات درمانی محروم بوده و حتا پول ویزیت یک دکتر معمولی را هم ندارند!!! آیا نتیجه این تفاوت و فاصله بین فقر و ثروت، چیزی جز گسترش کرونا در میان محرومان و زحمتکشان جامعه نبوده و نیست؟! آنها که حتا قادر به تامین و خرید وسایل بهداشتی مورد نیاز و ضروری خود نیستند!!! این است نتیجه مناسبات طبقاتی و خشن سرمایه داری.

اگر حسن روحانی جنایتکار این همه بر "ایمنی جمعی" در مقابله با شیوع ویروس کرونا تاکید می کند، بیاتر فکر فاشیستی این جنایتکار حافظ مناسبات سرمایه داری است. این که "ایمنی جمعی" در مقابله با کرونا امکان پذیر است یا نه بحث دیگری را می طلبد، اما این تفکر که قربانی شدن مردمان محروم جامعه را هدف قرار داده آن قدر جنایتکارانه است که حتا بسیاری از دولت های سرمایه داری به دلیل ترس از افکار جمعی و حتا برای جلوگیری از تعمیق در هم شکستگی اقتصادشان

دست خونین جمهوری اسلامی در کشتار کادر درمانی بیمارستان ها

روزه نشده و نشستن در خانه را ترجیح دادند. حمله وحشیانه نیروی انتظامی به تجمع پرستاران در برابر دادگستری مشهد در روز ۱۱ تیرماه، آن هم در شرایطی که همین پرستاران جان خود را بر کف دست گرفته و در صف اول مبارزه با شیوع ویروس کرونا قرار دارند نشانگر چیزی نیست جز ماهیت جنایتکارانه و سرمایه دارانه جمهوری اسلامی. این اولین بار نبود و بی شک آخرین بار نیز خواهد بود که جمهوری اسلامی به تجمع پرستاران حمله می کند. این به بخشی از ماهیت وجودی این حکومت فاشیست و جنایتکار تبدیل شده است که هر گونه صدای حق طلبانه ای را با سرکوب خفه کند. یادمان نرفته است که در اسفند سال گذشته و زمانی که کرونا اوج گرفته بود، پرستاران بسیاری در شبکه های اجتماعی از وضعیت وحشتناک بیمارستان ها و آمار بالای جان باختگان خبر می دادند، اما جمهوری اسلامی با دستگیری تعدادی از آنها و اعمال فشار و ایجاد جو پلیسی در بیمارستان ها مانع تداوم آن شد تا بدین ترتیب بتواند اخبار دروغ و جعلی خود را در جامعه منتشر سازد که اتفاقا یکی از دلایل گسترش ویروس کرونا نیز همان اخبار دروغ و جعلی است.

در این جا بد نیست به این موضوع نیز اشاره شود که براساس گزارش خبرگزاری "اننا" وابسته به "دانشگاه آزاد اسلامی" در برخی از بیمارستان های دولتی و خصوصی زمانی که پرستاری مبتلا به کرونا می شود، برای درمان و بستری شدن اش در همان بیمارستان باید هزینه درمان بپردازد. در طول مدت درمان (و یا قرنطینه) نه تنها برای آنها مرخصی تشویقی صادر نمی شود بلکه از حقوق آنها نیز بابت حاضر نبودن بر سر کار کاسته می شود. در برخی از بیمارستان های خصوصی تنها برای تست PCR برای تشخیص کرونا مبلغ ۵۵۰ هزار تومان از پرستاران دریافت می کنند.

یکی دیگر از نتایج سیاست های جمهوری اسلامی، تبدیل عرصه بهداشت و درمان به عرصه جولان سرمایه است. بهداشت و درمان یک حق است، حق تمامی انسان ها و تنها زمانی این حق تحقق می یابد که بهداشت و درمان به معنای کامل کلمه برای همگان رایگان و برابر باشد. اما وقتی بهداشت و درمان به عرصه جولان سرمایه تبدیل می شود، سرمایه به تنها چیزی که فکر می کند و اهمیت می دهد سود و سود بیشتر است، برای سرمایه چیزی که مهم نیست جان انسان هاست. نه در ایران بلکه در تمام کشورهای دنیا وقتی پای سرمایه به بهداشت و درمان باز شد، چیزی جز ویرانی و لگدمال کردن حق زحمتکشان جامعه در داشتن بهداشت و درمان مناسب به همراه نداشته است.

به همین دلیل است که امروز ثروتمندان جامعه از بهترین امکانات درمانی در پیشرفته ترین بیمارستان ها مانند "هتل بیمارستان گاندی"، "بیمارستان تخصصی عرفان" و غیره در همان شهر تهران برخوردار هستند، در حالی که میلیون ها ساکن تهران از جمله حاشیه نشینان آن از

گزارش آکسیون ۱۳ جولای در محکومیت صدور حکم اعدام برای معترضان آبان ماه

**گزارشی از تجمع اعتراضی
در محکومیت صدور احکام
اعدام جوانان زندانی
قیام آبان ماه ۱۳۹۸
در کپنهاک دانمارک**



برطبق فراخوان نیروهای چپ و کمونیست و فراخوان حمایتی فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) در دانمارک روز شنبه ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، ساعت ۱۴ تا ۱۵ یک آکسیون اعتراضی نسبت به صدور حکم اعدام برای سه تن از مبارزان آبان در میدان Gammelortv برگزار گردید. در این مراسم با نشان دادن عکس‌هایی از اعدام شدگان و پلاکارد کشته شدگان قیام آبان ماه و عکس‌های امیر حسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی به همراه شعارنوشته‌هایی از جمله زندانی سیاسی آزاد باید گردد و پخش موزیک و ترانه سرود مورد توجه مراجعین قرار گرفت. ده‌ها تن از نیروهای چپ و کمونیست در این تجمع اعتراضی شرکت داشتند. بیانیه کوتاهی به زبان دانمارکی توسط فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) در محیط بین مراجعین این آکسیون پخش گردید. این تجمع با سخنرانی کوتاهی از سوی یکی از شرکت‌کنندگان دانمارکی و پخش سرود انترناسیونال به پایان رسید.

کار، نان، آزادی – حکومت شورائی
فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) –
دانمارک
۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰

**گزارشی از تجمع اعتراضی
در محکومیت صدور احکام
اعدام جوانان زندانی
قیام آبان ماه ۱۳۹۸
در آمستردام هلند**

برابر فراخوان کمیته حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران در هلند و فراخوان حمایتی فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) در هلند، درارتباط با صدور حکم اعدام جوانان دستگیر شده آبان ۹۸ و سایر بازداشت شدگان و زندانیان سیاسی، در تاریخ ۱۸ ژولای از ساعت ۱۵ تا ۱۷ یک آکسیون اعتراضی در محل میدان دام آمستردام برگزار شد. نصب چادر و پلاکارد کشته شدگان قیام آبانماه و عکس‌های امیر حسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی، شعار علیه رژیم جمهوری اسلامی و پخش موزیک و ترانه سرود مورد توجه مراجعین قرار گرفت. ایرانیان زیادی در این تجمع اعتراضی شرکت داشتند. در این تجمع بیانیه



کمیته حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران در هلند به زبان هلندی و انگلیسی در محکومیت صدور احکام اعدام خوانده شد. فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) اطلاعیه کمیته خارج کشور سازمان به زبان انگلیسی در رابطه با محکومیت صدور احکام اعدام را پخش کردند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی
برقرار باد حکومت شورایی

فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - هلند

**گزارشی از تجمع اعتراضی
در محکومیت صدور احکام
اعدام جوانان زندانی
قیام آبان ماه ۱۳۹۸
در استکهلم سوئد**



بنابر فراخوان قبلی شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهان مردم ایران روز دوشنبه ۱۳ جولای برابر با ۲۳ تیرماه شماری از اعضا و دوستداران احزاب و سازمان‌های چپ و کمونیست و همچنین تعدادی از کمونیست‌ها و آزادیخواهان مستقل در اعتراض به صدور احکام قرون وسطایی جمهوری اسلامی جنایتکار برای سه تن از معترضان آبان ماه، یک آکسیون اعتراضی در میدان سرگل توریت استکهلم برگزار گردید. در این تجمع اعتراضی به‌رغم قانون وضع شده سوئد در رابطه محدودیت‌های کرونایی، ده‌ها نفر شرکت داشتند. با این حال پلیس رضایت داد که این تجمع اعتراضی فقط به مدت یکساعت برگزار گردد. شرکت‌کنندگان در این تجمع ضمن اعلام انزجار عمیق از صدور و تأیید حکم اعدام برای امیر حسین مرادی، محمد رجبی، سعید تمجیدی و دیگر متهمان اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸، خواهان لغو این احکام و آزادی بی قید و شرط کلیه دستگیر شدگان اعتراضات سال‌های اخیر شدند. خاطر نشان می‌شود که فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) سوئد نیز در این آکسیون حضور فعال داشتند و توسط یکی از فعالان این سازمان اطلاعیه‌ای در این رابطه قرائت گردید.



"ما بسیاریم، طناب کم می آورید"

امیدواری کرد "بتوانیم با درخواست اعاده دادرسی حکم مزبور را نقض کنیم". بعد از اطلاع رسانی اولیه مصطفی نیلی، فضای جامعه زمانی ملتهب تر شد، که روز سه شنبه ۲۴ تیر، سخنگوی قوه قضاییه از تایید حکم اعدام حسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی خبر داد. اسماعیلی، سخنگوی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، همزمان با تایید حکم اعدام این سه جوان در دیوان عالی کشور اعلام کرد، "ممکن است" امکان اعمال ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری، "نتیجه پرونده را توأم با تغییر کند".

پس از بیان این سخنان سخنگوی قوه قضاییه بود، که هشتک "اعدام نکنید" همانند توفانی سهمگین فضای توییتر را فرا گرفت و در اندک زمانی فضای مجازی ایران و جهان را تسخیر کرد. یک روز بعد از شروع کارزار کم سابقه کاربران شبکه های اجتماعی و تلاش آنان برای لغو حکم اعدام حسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی، دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در یک موضع گیری شتاب زده اعلام کرد، در صورت درخواست وکیل متهمان، ممکن است "نتیجه پرونده" تغییر کند. همزمان با این اعلام موضع جدید دستگاه قضایی، وکلای این پرونده نیز اعلام کردند، روز چهارشنبه ۲۵ تیر، به آن ها اجازه دسترسی به پرونده داده شده است. بابک پاک نیا، یکی از وکلای متهمان، بعد از خواندن "بخش هایی" از پرونده در اینستاگرامش نوشت، که در پرونده، "ایرادهای فاحش بسیار" پیدا کرده است که بر اساس آن ها مطمئن است اگر پرونده به یک قاضی مستقل سپرده شود، "قطعاً حکم نقض خواهد شد". پاک نیا، قبلاً هم اعلام کرده بود که حکم اعدام این سه نفر، در دیوان عالی کشور با نظر اکثریت تایید شده و یکی از قضات با حکم اعدام مخالف بوده است.

یک روز بعد از به راه افتادن توفان توییتری با مضمون ۴۱ سال اعدام بس است، "اعدام نکنید"، عصر روز چهارشنبه ۲۵ تیرماه، خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران، از توقف حکم اعدام خبر داد. وقتی کاربران شبکه های اجتماعی، این خبر را به عنوان موفقیت کمپین "اعدام نکنید" تلقی کردند، بلافاصله میزان، خبرگزاری قوه قضاییه، خبر توقف اعدام را تکذیب کرد اما گفت، امکان اجرای ماده ۴۷۷ قانون دادرسی برای تغییر حکم وجود دارد. ماده ۴۷۷ قانون دادرسی چه می گوید؟ طبق ماده ۴۷۷ قانون دادرسی، و آنگونه که سخنگوی قوه قضاییه گفته است، در موارد استثنایی اگر رئیس قوه قضاییه رای قطعی صادر شده از هر یک از مراجع قضایی را خلاف شرع تشخیص بدهد، می تواند پرونده را به دیوان عالی کشور بفرستد تا در شعبه ای که خود رئیس قوه قضاییه تشخیص می دهد، دوباره به پرونده رسیدگی شود.

تا اینجای قضیه، به نظر می آید که خبرگزاری های امنیتی و دستگاه قضایی جمهوری اسلامی

ظاهراً در مقابل توفان توییتری "اعدام نکنید" مجبور به یک عقب نشینی تاکتیکی شده اند. این عقب نشینی می تواند بازی جدید قوه قضاییه به منظور متوقف کردن توفان رو به افزایش کارزار مقابله با اعدام باشد. این بازی جدید دستگاه قضایی جمهوری اسلامی با هر نیتی که شروع شده بود، با جرعه خوردن اعتراضات خیابانی بهیمن و چند شهر دیگر در شامگاه پنجشنبه ۲۵ تیر، عملاً با شکست روبرو شد. حضور اعتراضی مردم بهیمن با شعار "توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه،" ۱۵۰۰ نفر کشته آبان ما"، "نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران" و "مرگ بر خامنه ای"، شرایط بوجود آمده را برای قوه قضاییه و نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی سخت دشوار کرد. چرا که اینبار، حرکت اعتراضی توده های جان به لب رسیده مردم ایران، نه در خیابان های مجازی توییتر و شبکه های اجتماعی، بلکه در زمین ناهموار جمهوری اسلامی و در سطح خیابان های شهر بهیمن شکل گرفت. اعتراضی که ترس از کشیده شدن آن به شهرهای دیگر، چنان خواب هیئت حاکمه ایران را بر آشفته که فردای آن روز ابتدا دو روزنامه حکومتی، کارزار هشتک "اعدام نکنید" را در صفحات اول خود تیتر کردند و سپس در روز شنبه ۲۷ تیر، تعداد بیشتری از روزنامه های دولتی و به طور اخص روزنامه های سریالی "اصلاح طلب" در حرکتی هماهنگ موضوع کمپین ۱۰ میلیونی هشتک "اعدام نکنید" را در صفحات اول خود تیتر زدند. روزنامه اعتماد با تیتر درشت نوشت: دست نگه دارید. روزنامه شرق با دیدن توپ در زمین رئیس قوه قضاییه نوشت: مردم در انتظار تصمیم او برای لغو حکم و اعاده دادرسی هستند. روزنامه صبح، با طرح "سیر حقوقی یک پرونده حساس"، ماده ۴۷۷ را تیتر زد. روزنامه صبح امروز، اظهار امیدواری کرد که حکم به زودی تغییر کند. روزنامه سازندگی، با امید به تغییر حکم در صفحه اول نوشت: حکم دیوان عالی را می شود تغییر داد و این جوانان را از مرگ نجات داد. روزنامه فرهیختگان، با توجه به وضعیت شکننده جمهوری اسلامی در عرصه داخلی و خارجی نوشت: "حکم اعدام، پاس گل به کاسبان اعدام" در جمهوری اسلامی است.

همزمان با واکنش روزنامه های حکومتی، علی ربیعی، سخنگوی دولت نیز وارد میدان شد. ربیعی، روز شنبه ۲۷ تیر در یادداشت هفتگی خود برای روزنامه ایران نوشت: **"برای جامعه امکان بروز تحرکات اجتماعی و انتقال ناآرامی های ذهنی به ناآرامی های فیزیکی را کاملاً متصورم"**. (تاکید از ما است) او همچنین یادآور شده، آنچه در دنیای مجازی طرح شده است، "یک خواست طبیعی افکار عمومی است که به اعتقاد من باید به آن احترام نهاد". با وضعیت پیش آمده به نظر می رسد جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی آن در بد مخمصه ای گیر کرده اند. مخمصه ای که نه راه پیش دارند و نه راه پس.

تردیدی نیست که توفان توییتری "اعدام نکنید" یکی از جلوه های بزرگ همبستگی میلیونی گروه ها و لایه های مختلف اجتماعی مردم ایران است، که به صورتی کم سابقه در مقابله با احکام اعدام و به طور اخص اعدام سه تن از مبارزان

قیام آبان ماه ۹۸، تجلی یافته است. این توفان توییتری که اکنون از آن به عنوان "بزرگترین راهپیمایی در خیابان توییتر" یاد شده است، در شرایطی رخ داد که چند روز پیش از این، دیاکو رسول زاده و صابر شیخ عبدالله، دو زندانی سیاسی کرد، در سکوت و بی خبری اعدام شدند. دو هفته پیشتر نیز، رئیس دادگستری اصفهان از صدور حکم اعدام برای ۸ تن از دستگیرشدگان دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ خبر داد، اما آب از آب تکان نخورد. حسین ربیعی، یکی دیگر از دستگیرشدگان اعتراضات آبان ۹۸، به گفته خودش تنها به دلیل ارسال یک پیامک که در تلفن همراهش پیدا کرده اند، حکم محاربه گرفته است. حکمی که در صورت تایید منجر به اعدام او خواهد شد. وحشتناک تر اعدام مردی ۵۱ ساله در مشهد بود، که به جرم "شرب خمر" روز ۱۸ تیر به دار آویخته شد. در کنار همه این اتفاقاتی که در روزهای اخیر رخ داد، هنوز هزاران تن از دستگیرشدگان دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸، همراه با بازداشت شدگان دیگری از گروه های مختلف اجتماعی در زندان های جمهوری اسلامی بسر می برند. زندانیانی که امنیت ندارند و مدام با شکنجه و اعتراف گیری بازجویان آدمکش جمهوری اسلامی مواجه اند.

در چنین شرایطی که سرکوب و شکنجه و اعدام بر زندان های جمهوری اسلامی سایه افکنده است، به دور از شأن انسانی است که نسبت به مقوله اعدام با نگاهی گزینشی واکنش نشان دهیم. یعنی در مواردی سکوت کنیم، در مواردی بی خیال شویم، در مواردی اعدام را برای متهمانی با جرائم خاص، جایز بدانیم و در مواردی دیگر، به تأسی از فضای موجود در "راهپیمایی بزرگ خیابان توییتر" شرکت کنیم و دو فردای دیگر، با فروکش کردن تب و تاب روزهای پر التهاب کنونی، دوباره برای یک دوره طولانی به پستوی سرد خانه های خود باز گردیم. فراموش نکنیم، آنچه به این همدلی گسترده نسل جوان برای متوقف کردن اعدام امیر حسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی رنگ و بوی خاص داده و موضوع اعدام این سه جوان را از هر جهت منحصر به فرد کرده است، حضور بخش وسیعی از همین کاربران کارزار هشتک "اعدام نکنید" در اعتراضات آبان ۹۸ است. جوانانی که اینک سرنوشت خود را در آئینه نگاه این سه جوان ایستاده در پای چوبه دار می بینند.

اینکه توفان کارزار هشتک "اعدام نکنید"، حرکتی ارزنده و اقدامی کاملاً به جلو است، هیچ تردیدی در آن نیست. اینکه پس از ۴۱ سال سرکوب و کشتار و اعدام، اکنون حرکتی این چنین وسیع و همگانی علیه اعدام شکل گرفته است، باید آن را به فال نیک گرفت و در سوق دادن آن از فضای مجازی به سطح خیابان های سنگلاخ جمهوری اسلامی کوشید. این توفان توییتری، با همه اعتباری که این روزها کسب کرده است، با همه شوق و امیدی که در دل ها نشانده است، اگر نتواند راهپیمایی ده میلیونی کاربران خود را در خیابان های فضای مجازی به یک راهپیمایی نفس گیر دست کم چند ده هزار نفری در زمین سخت و شوره زار جمهوری اسلامی بکشد، بی هیچ تردیدی با فروکش کردن موج ایجاد شده، همگان دوباره به پستوی خانه



بازداشت فعالین کارگری نیشکر هفت تپه را شدیداً محکوم کنیم

"ما بسیاریم، طناب کم می آورید"

های خود باز خواهند گشت. فراموش نکنیم، آن دسته از جوانان و توده های معترضی که در شامگاه پنجشنبه ۲۵ تیر، با شعار "۱۵۰۰ نفر، کشته آبان ما" در خیابان های بهبهان حضور یافتند، تنها با فراخوان چند نفر از فعالان اجتماعی بر زمین سخت جمهوری اسلامی پا گذاشتند. همان فراخوان دهندگان جان بر کفی که خود به دلیل انگشت شمار بودن تعدادشان، به سرعت توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی شناسایی و دستگیر شدند. معترضان هم که در خیابان حضور یافتند، جوانان مبارز و بعضاً برادران و خواهران همان ۱۵۰۰ جان باخته قیام آبان ماه بودند، که بعد از تظاهرات خیابانی توسط نیروهای امنیتی دستگیر شدند.

به راستی اگر بجای فراخوان آن چند نفر به تجمع اعتراضی در فضای مجازی، فراخوان اعتراض خیابانی در زمین سخت جمهوری اسلامی صادر می شد و نه ۱۰ میلیون توثیت کنندگان فضای مجازی، که فقط هزاران نفر و حتی کمتر خطر می کردند و راهی خیابان می شدند، آیا باز هم نیروهای امنیتی رژیم قادر بودند به فاصله یک روزه همه فراخوان دهندگان و اعتراض کنندگان را شناسایی و دستگیر کنند؟

مسئله خیر. این است تفاوت فاحش ثمر بخشی راهپیمایی اعتراضی چند هزار نفری در خیابان های سخت جمهوری اسلامی با راهپیمایی چند میلیونی کاربران اینترنتی در خیابان مجازی توییتر و دیگر شبکه های اجتماعی.

پاسخ به ظاهر مثبت مسئولان قضایی به توفان توییتری "اعدام نکنید"، و پس از آن واکنش هراسناک هیئت حاکمه ایران به حرکت اعتراضی بهبهان، یک بار دیگر نشان داد که جمهوری اسلامی در ضعیف ترین شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دوران حیات خود بسر می برد. تردیدی نیست که این وضعیت، از دیماه ۹۶ با رویکرد توده های مردم ایران به مبارزات علنی و خیابانی شکل گرفت. وضعیت جدیدی که به شکل گیری یک دوران انقلابی در جامعه منجر شد. دورانی کاملاً متفاوت با دهه های گذشته. با شکل گیری دوران انقلابی در متن جامعه و به تاسی از این دوران جدید، لایه های مختلف توده های مردم ایران با روحیه تعرضی به مبارزه علنی علیه جمهوری اسلامی روی آوردند. این روند مبارزاتی توده های مردم ایران در روزهای قیام آبان ماه ۹۸، تجلی بیشتری یافت. با شروع کرونا، مبارزات علنی و سلحشورانه کارگران، جوانان، زنان، دانشجویان، معلمان و عموم لایه های مختلف مردم ایران تا حدودی دچار رکود شد. با تشدید بحران و بروز ناتوانی بیشتر جمهوری اسلامی در برون رفت از بحران های موجود، اکنون دوباره شاهد رشد مجدد مبارزات در کارخانه و خیابان هستیم.

پوشیده نیست، آنچه اکنون در اعماق جامعه در غلیان است، آنچه اکنون زمینه ساز توفان توییتری نه به اعدام در فضای مجازی شده است،

بر اساس اطلاعاتی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، امروز، سه شنبه ۲۴ تیر ماه ۱۳۹۹، چهار تن از فعالین نیشکر هفت تپه به اسامی یوسف بهمنی، ابراهیم عباسی منجری، محمد خنیفر و مسلم چشم خاور، که بعد از اعتصاب و راه پیمایی عازم منزل بودند، توسط پلیس امنیت شهرستان شوش بازداشت شدند. علاوه بر دستگیرشدگان فوق، دیروز، دوشنبه ۲۳ تیر نیز، امیر محمودلی، خیرنگار مستقل به همراه همکار خود توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی شوش بازداشت شدند که تا کنون از وضعیت آن ها هیچ خبری در دست نیست.

کارگران نیشکر هفت تپه، یک ماه است که برای مطالبات برحق خود دست به اعتراض و اعتصاب زده اند. اعتصاب یکپارچه کارگران، از روز دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۹۹، با شرکت گروه های بزرگی از کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه، بخش های تجهیزات مکانیکی، زیربنایی، امور اداری، خوراک دام و کارگران بخش کشاورزی آغاز شد و در روزهای بعد ابعاد وسیعتری گرفت. این اعتصاب در شانزدهمین روز خود با تظاهرات و راه پیمایی خیابانی همراه شد که تا به امروز ادامه یافته است.

پرداخت دستمزدهای معوقه، خلع ید از اسدیگی و رستمی، لغو خصوصی سازی شرکت هفت تپه، بازگشت به کار اسماعیل بخشی، محمد خنیفر و دیگر کارگران اخراجی و تمدید دفترچه های بیمه درمانی، از جمله خواست های کارگران اعتصابی است. به رغم اعتصاب ۳۰ روزه کارگران، در حالی که نزدیک به ۴ ماه از سال جاری گذشته است، تنها یک ماه از دستمزدهای معوقه آن هم فقط به بخشی از کارگران پرداخت شده است. بی اعتنایی کارفرمای دزد و فاسد شرکت و بی توجهی مسئولین استانی نسبت به مطالبات کارگران گرسنه و زحمتکش هفت تپه، آنان را بر آن داشت تا ادامه اعتصاب خود را به صورت راهپیمایی های هر روزه با حمل پلاکاردهایی که خواست ها و مطالبات شان را در بر دارد، در سطح خیابان های شوش و سپس تجمعات اعتراضی در مقابل فرمانداری این شهر دنبال کنند.

تشدید فشارهای اقتصادی و معیشتی، گرسنگی و بی حقوقی کارگران هفت تپه، برشی از وضعیت وخامت بار کل کارگران ایران است. کارگرانی که از بام تا شام کار می کنند، استنثار می شوند، برای کارفرمایان سود و سرمایه تولید می کنند، اما خود از داشتن ابتدایی ترین امکانات یک زندگی انسانی محرومند. کارگرانی که زیر چرخ دنده های نظام وحشی سرمایه داری حاکم بر ایران له شده اند، اما به خاطر مبارزه برای احقاق ابتدایی ترین حقوق خود، مورد ضرب و شتم قرار گرفته بازداشت و زندانی می شوند. کارگرانی که در اوج گرانی و تورم و نداری، از دریافت به موقع همان حداقل دستمزدهای بخور و نمیر ماهیانه خود نیز بی بهره اند و در این وضعیت مرگبار شیوع ویروس کرونا، دفترچه های بیمه درمانی شان نیز تمدید نمی شود.

حال با گذشت یک ماه از اعتراض و اعتصاب و راه پیمایی و در شرایطی که فریاد گرسنگی و اخبار اعتصاب و اعتراض کارگران قهرمان هفت تپه در سراسر ایران پیچیده است، دستگاه اداری و قضایی و مقامات دولتی در سطح استان خوزستان در همدستی آشکار با کارفرمای دزد و فاسد نیشکر هفت تپه اقدام به دستگیری ناقص تعدادی از فعالین کارگری هفت تپه کرده است.

سازمان فدائیان (اقلیت)، ضرب و شتم و بازداشت فعالین کارگری هفت تپه و خبرنگاران مستقل را شدیداً محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه دستگیرشدگان است.

سازمان فدائیان (اقلیت)، حمایت همه جانبه خود را از اعتصاب و خواست های کارگران نیشکر هفت تپه اعلام می کند و خواستار تحقق فوری همه خواست ها و مطالبات کارگران اعتصابی هفت تپه است.

پیروزی مبارزات کارگران هفت تپه

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی

زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)- ۲۴ تیر ۱۳۹۹

کار، نان، آزادی- حکومت شورایی

تحرکات اجتماعی و انتقال ناآرامی های ذهنی به ناآرامی های فیزیکی را کاملاً متصورم"، تجلی یافته است. وضعیتی که در توفان توییتری نه به اعدام، در پیام کاربرانی با جمله "ما بسیاریم، طناب کم می آورید"، به روشن ترین شکل ممکن آشکار است.

آنچه سبب شده تا تعدادی از کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل و رؤسای پاره ای از کشورهای غربی به کمپین هشتم "اعدام نکنید"، بپیوندند، همه برخاسته از همین شرایط ویژه حاکم بر جامعه است. شرایطی که به روشنی در نگرانی علی ربیعی، سخنگوی دولت جمهوری اسلامی با بیان اینکه: "برای جامعه، امکان بروز

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

kar.fadaianaghaliyat

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 879 July 2020

سپرد. روزی که حکم اعدام امیر حسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی، سه تن از جوانان شرکت کننده در اعتراضات آبان ماه ۹۸، توسط دیوان عالی کشور تأیید شد. روزی که برآیند همه این سال های جنایت و کشتار و مرگ، به یک باره با هشتک "اعدام نکنید" در فضای مجازی شکل گرفت و تا روز شنبه ۲۷ تیر با ۱۱ میلیون بار توییت، به ترند اول جهان تبدیل شد. زمینه های مادی این توفان توییتی، از روز جمعه ۲۰ تیر ماه ۹۹ پایه ریزی شد. زمانی که مصطفی نیلی، وکیل سه متهم اعتراضات آبان ماه از تأیید حکم اعدام موکلانش در دیوان عالی کشور خبر داد. نیلی، روز جمعه در توییتش نوشت: "متأسفانه احکام اعدام موکلیم در مرحله فرجام خواهی در دیوان عالی کشور تأیید شده است". او، در ادامه با تأکید بر اینکه "تا کنون اجازه ورود به پرونده به ما داده نشده است"، اعلام

در صفحه ۸

"ما بسیاریم، طناب کم می آورید"



محمد رجبی امیرحسین مرادی سعید تمجیدی



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی "کومله تی وی / شورا تی وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی